مکتب قرآنیون و نقد مدّعای آن در عدم حجیت سنت نبوی ـ مرضیه بلخاری‌قهی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال پانزدهم، شماره ۵۷ «ویژه قرآن‌بسندگی»، زمستان۱۳۹۶، ص ۱۱۹-۱۳۴

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

مکتب قرآنیون و نقد مدّعای آن در عدم حجیت سنت نبوی

مرضیه بلخاری قهی*

چکیده: جریان قرآنیون به قرآن‌بسندگی و انکار نقش سنت در شناخت دین روی آورده، حدیث را فاقد حجیت می‌داند و در تبیین احکام به آن بها نمی‌دهد. بعلاوه قرآنیون اندیشه‌هایی را مطرح کرده‌اند که خودشان هم به آنها پایبند نبوده و در تفسیر قرآن بدون سنّت دچار مشکل شده‌اند. نگارنده تاریخچه‌ای مختصر از این جریان و اندیشه‌های پیروان آن به دست داده است، مانند: اجتهاد پیامبر در آیات قرآن، امکان فهم احکام با تدبّر و تعقّل در قرآن، انکار نقش سنّت در فهم آیات قرآن. نگارنده به این مدّعاها پاسخ داده، سپس وابستگی فهم قرآن به حدیث را توضیح می‌دهد، آنگاه تفسیر قرآن به قرآن را با تبیین جایگاه روایات در فهم قرآن به شیوهٔ علامه سید محمد حسین طباطبایی بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرآنیون؛ حجیت حدیث؛ تدبر در قرآن – نقش حدیث؛ تفسیر قرآن به قرآن؛ طباطبایی، سید محمد حسین.

*. دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه آزاد تهران جنوب mbolkhari46@yahoo.com

مقدمه

اهل قرآن یا قرآنیون گروهی از مسلمانان هستند که به اصالت قرآن به عنوان یگانه منبع تشریع احکام اعتقاد دارند و حجیت حدیث را انکار می‌کنند. اعتقاد و ادعای آنها بر این است که چون قرآن تنها وحی نازل شده از طرف خداوند است، پس تمام مسلمانان در آن اتفاق نظر دارند. مخالفان این گروه، از آنان به عنوان منکران حدیث یاد می‌کنند.

تاریخچهٔ این گروه به زمان صدر اسلام و قرون اول هجری باز می‌گردد که رگه‌هایی از قرآن‌بسندگی و بی‌اعتنایی به حدیث و یا محدود کردن سنت در شناخت دین گزارش شده است. بعد از آن در دوره‌های میانی، این جریان اهل سنت به عنوان جریانی سامان یافته و منسجم در شبه قاره هند، مصر، سوریه و برخی از سرزمینهای اسلامی سر برآورد. الهی بخش آغاز آن را از مصر می‌داند، در هند سید احمد خان هندی برای نخستین بار آن را مطرح کرد، کسانی چون احمد صبحی منصور، رشاد خلیفه، محمد شحرور در سرزمین‌های عربی و ادیب یوکسل در ترکیه از جمله نظریه‌پردازان این جریان به شمار می‌روند.

در این نوشتار تلاش شده تا این جریان مورد نقد قرار گیرد، با استناد به آیات و روایات، نقش پیامبرﷺ به عنوان بزرگترین و نخستین مبیّن و مفسّر آیات قرآن روشن گردد، ابهامات و شبهات قرآنیون در فهم آموزه‌های دینی آشکار شود. نیز روشن شود که با وجود روش تفسیر قرآن به قرآن برخی از آیات قرآن مجمل، مقید و ناسخ هستند وحتماً باید احادیث و سنت نبوی از آنها رفع ابهام کنند. این نوشتار به این مسئله پاسخ داده و نقش سنت نبوی را در آموزه‌های دینی و احکام روشن می‌سازد.

عموم مسلمانان حدیث را تنها ابزار دستیابی به سنت نبوی – یعنی قول، فعل و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

تقریر پیامبرﷺ- می‌دانند. تلقی عامّ این است که کلام معصومین، همواره از حجیّتی بی‌چون و چرا برخوردار است، اما بررسی تاریخی نشان می‌دهد که حدیث، همواره از این مقبولیت و حجیت گسترده و عام بهره‌مند نبوده است.

وابستگی فهم قرآن به حدیث

در ارتباط با موضوع «فهم قرآن به وسیله حدیث در مکتب اهل سنت» این معنا مورد نظر است که قرآن مستقل نیست و بدون سنت - که معنای آن را روشن سازد و اوامر و نواحی آن را تکمیل کند - کامل نیست، قرآن مجمل است و با سنت تبیین می‌شود، عام است و با سنت تخصیص می‌یابد و تفصیل جزئیات فرایضی که در قرآن آمده در سنت یافت می‌شود. (خطیب بغدادی، ص۳۰) اما این دیدگاه از ابتدا مقبول نبوده است و دست کم در زمان شافعی مخالفانی داشته است؛ چنان که شافعی نقل کرده، آنها با استناد به آیه «تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ» (نحل/۸۹) استدلال کردند که اوامر و نواهی قرآن اجمال ندارند و نباید آنها را با احادیثی که راویان آنها از خطا و فراموشی مبرا نیستند تبیین کرد. (شافعی، ۶/۹)

در دوران معاصر نیز، اهل قرآن معتقدند که این کتاب آسمانی مستقل است. این باور که قرآن می‌تواند و باید از قیود سنتی رها شود، حتی در میان افرادی که وابستگی فرقه‌ای به اهل قرآن ندارند، نیز رواج یافته و در نگاه آنان مصحف شریف یگانه حجت شرعی است و برای تفسیر آن نیاز به هیچ چیز غیر از قرآن نیست و باید قرآن با قرآن تفسیر شود. (الهی بخش، ۲۶۵)

پیشینه و ریشه‌های جریان قرآنیون

در آثار اسلامی کهن، مخالفت‌هایی با نقل و ضبط حدیث و کاربرد آن به عنوان منبع استنباط احکام شرعی گزارش شده است. در قرون سیزدهم و چهاردهم هجری نیز، دوباره تردیدها و مخالفت‌هایی با حدیث توسط قرآنیون شکل گرفت.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

مدعای اصلی آنان این است که قرآن، تنها وحی و نازل شده از جانب خدا، و یگانه حجت شرعی در اسلام است. (مهدوی راد،۷۷۰/۱۲)

دربارهٔ تاریخچه، خاستگاه و مؤلّفه‌های فکری این جریان، پژوهش‌های مستقل و اندکی صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به کتاب "القرآنیون و شبهاتهم حول السنه" (طائف، ۲۰۰۰/۱۴۲۱) اثر خادم حسین الهی‌بخش و "حدیث به مثابهٔ متن مقدس" (نیویورک،۲۰۰۸) اثر عایشه موسی اشاره کرد. این دو اثر از موضعی جانبدارانه نگاشته شده‌اند. مؤلف تحقیق نخست -که صرفاً ناظر به فرقهٔ اهل قرآن در شبه قارهٔ هند است (آقایی، ص۱۲)- از نظرگاه سلفی، به طرح و نقد دیدگاه‌های آنان پرداخته است. برعکس، مؤلف پژوهش دوم از دیدگاه قرآنیون تأیید تاریخی این اندیشه و چهره‌های شاخص آن در دهه‌های اخیر را بررسی و معرفی کرده است.

در پژوهش حاضر کوشش می‌شود با رویکردی تحلیلی، در گام اول پیشینهٔ تاریخی این اندیشه از منابع موجود استخراج شود؛ در گام بعدی خاستگاه و زمینه‌های پیدایش این اندیشه در دوران معاصر، شناسایی شود. سرانجام، مؤلفه‌های اصلی در اندیشهٔ قرآن‌بسندگی و ادله و شواهد آنها تبیین گردد.

برخی از پژوهشگران بر این نظرند که فکر انکار سنت نخستین بار از سوی خوارج اظهار شد. به عنوان نمونه از ردّ اقامهٔ حدّ سنگسار برای فرد زناکار و مسح بر کفش و دیگر تشریعاتی که از رهگذر روایت از پیامبر بود و در قرآن وجود نداشت، یاد کردند. (الهی بخش، ص ۹۵)

احمد صبحی منصور رهبر معنوی قرآنیون در مصر و جهان عرب ریشه‌های قرآنیون را از حرکت اصلاحی شیخ محمد عبده در سال ۱۹۰۵م می‌داند. او می‌گوید: "محمد عبده حدیث و تصوف را رد کرد و بخاری را نقد نمود و شفاعت را منکر شد؛ اما شاگردش محمد رشید رضا با مبانی او مخالفت کرد و با

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

سلفیه همکاری نمود. او استادِ حسن بنا بنیانگذار گروه اخوان المسلمین بود. او می‌گفت: آثاری از مکتب محمد عبده در این زمینه هست. از کسانی که در حال حاضر اندیشه قرآن‌بسندگی را ترویج می‌کنند می‌توان از قاسم احمد، احمد صبحی منصور از مصر و ادیب بوکسل از ترکیه یاد کرد. قاسم احمد رمز توفیق مسلمانان متقدّم را در آن می‌داند که تنها قرآن را مرجع خویش قرار داده‌اند و افول جامعه اسلامی را زمانی می‌داند که حدیث در کنار قرآن قرار گرفت. (قاسم احمد ۴۹-۲۳) وی در کتاب خویش نظریه اهل حدیث را به سه صورت دسته‌بندی می‌کند. ۱) سنت وحی است. ۲) اطاعت از پیامبرﷺ به معنای تبعیت از حدیث است. ۳) حدیث مفسر قرآن و سنت نبوی است.

در قرن اول هجری شواهدی بر بروز رگه‌هایی از نگرهٔ قرآن‌بسندگی و بی‌اعتنایی و تردید در سنّت با نادیده انگاشتن یا محدود کردن نقش سنّت در شناخت دین گزارش شده است. از جمله: مخالفت قریش با عبدالله بن عمرو بن عاص برای نگارش احادیث پیامبرﷺ (خطیب بغدادی، تقیید العلم، ۸۰)، گزارش اهل سنّت دربارهٔ پیش‌بینی مخالفت‌های صحابه با سنّت پیامبرﷺ در حدیث اریکه (حاکم نیشابوری، ۱۹۱/۱، سجستانی، ۲۰۰۴/۴)، گزارش بخاری در مخالفت با نگارش حدیث در آستانهٔ رحلت رسول خدا و سخن خلیفهٔ دوم در توجیه این مخالفت (بخاری، ۵۴/۱؛ ابن حنبل، ۳۵۵/۱؛ ابن ابی الحدید، ۵۱/۶) و آیات ناظر به نافرمانی، مخالفت و اعتراض برخی صحابه به عملکرد پیامبرﷺ (نور/ ۴۷-۵۳، توبه/ ۲۵، احزاب /۵۷، آل عمران /۱۲۱-۱۲۲)؛ نشانه‌هایی از باور نداشتن برخی صحابه به عصمت و حجیت سنّت پیامبر است.

پس از حیات آن حضرت نیز سیاست و عملکرد خلفا در جلوگیری از نقل و نگارش سنّت (ذهبی، ۵/۱ و ۷؛ عبدالخالق، ۳۹۴؛ متقی هندی، ۲۳۹/۵؛ ابن سعد، ۳۳۶/۲، ۲۲۹/۴، ۱۴۰/۵، ۷/۶؛ سیوطی، ۶۴/۲؛ بخاری، ۱۲۰/۱؛ خطیب بغدادی، تقیید العلم، ۵۲؛ ابوریه، ۴۷) و تأکید بر کفایت

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

قرآن (ذهبی، ۲/۱)، سبب وضع و جعل هزاران حدیث، تحریف معنوی معارف قرآن، راهیابی اسرائیلیات به روایات، وارونه ساختن ارزش‌های اخلاقی و شخصیت‌های دینی و ... گردید. (مهدوی‌راد، ۹)

پس از حرکت سیاسی خلفا در اواخر قرن دوم هجری، در کهن‌ترین متن موجود، یعنی «کتاب الأم» شافعی، بابی تحت این عنوان آمده است: «باب حکایة قول الطائفة التی ردّت الاخبار کلها.» (شافعی، ۲۸/۷) از آنجا که شافعی مراد دقیق خود از گروه منکران سنّت را مشخص ننموده است، تعیین مراد وی مورد بحث پژوهشگران قرار گرفته است. برخی آنان را طایفه‌ای از معتزلهٔ بصره (خضری، ۱۸۵؛ سیاسی، ۱۴۸) و شماری آنها را گروهی از خوارج آن عصر دانسته‌اند. (الهی‌بخش، ۹۵؛ اعظمی، ۲۳/۱) برخی نیز با وجود پاسداری تمام عیار شیعه از سنّت و میراث گرانقدر نبوی (ابن سعد، ۲۲۹/۴؛ طوسی، ۷۶-۸۷)، آنان را افرادی به سان شیعه دانسته‌اند. (الهی‌بخش، ۸؛ اعظمی، ۲۶۹/۱)

اندیشه‌های مکتب اهل قرآن

۱. اجتهاد پیامبرﷺ در آیات قرآن

قرآنیون عصمت پیامبرﷺ را نپذیرفته و برخی اعمال ایشان را اجتهاد می‌دانند که در برخی موارد باعث شده که پیامبرﷺ مورد عتاب خداوند قرار گیرد. از سوی دیگر، سنت نبوی را خاص اعراب زمان عصر اسلام می‌دانند و افراد دیگر را که بعد عصر نزول قرآن و اسلام هستند خارج ازخطاب پیامبرﷺ می‌دانند. (افندی، ۹۱۰) لذا به قرآن اکتفا کرده و آن را تنها منبع برای دریافت احکام اسلامی می‌دانند. و این ادعا را دارند که هر کسی بخواهد به فرامین الهی عمل کند باید تنها به قرآن اکتفا کند، زیرا فقط مصحف شریف است که تنها منبع موثق و کاملی است که مسلمانان در آن اختلاف نظر ندارند. (صبحی منصور، فصل اول) این

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

گروه معتقدند که در قرآن آیات ناسخ و منسوخ وجود ندارد. (همان) پشتوانه این مبنا مسئله جامعیت قرآن است که قرآنیون با تفسیرهای نامناسب کتاب خدا را در بردارنده هر چیزی معرفی می‌کنند. (ابن فرناس، ۵۱۸)

نقد: در نقد این عقیده قرآنیون چند نکته شایسته توجه است:

یک: جامعیت قرآن دست کم در حوزه‌های دینی و هدایتی به اجمال پذیرفته شده است، اما آیات مورد استناد قرآنیون برای این مدعا دلالت روشنی ندارد، بویژه آیاتی که مورد ادعای آنهاست. ضمن اینکه در مقابل این آیات، آیات دیگری بر ضرورت اطاعت از پیامبرﷺ در اوامر و نواهی و احکام اشاره کرده (نساء/۵۹، احزاب/۳۶) و ایشان را مفسّر و مبین آیات قرآن معرفی نموده است. (نحل/۴۴) در پرتو این آیات می‌توان دریافت که بخشی از آنچه خداوند در قالب دین برای انسان خواسته است با رجوع به پیامبرﷺ به دست می‌آید.

دو: قرآنیون بر همین ادعای خود استوار نبوده‌اند و به تفسیر به رأی و برداشت‌های ذهنی خود روی آوردند. آنان معتقدند که اگر به ذکر تفاصیل نماز و تعداد رکعات آن در قرآن اشاره‌ای نشده پس نیازی به آن نبوده و اگر مسلمانان در تعداد رکعات نماز و کیفیت آن با مشکل مواجه می‌شدند، خداوند تفصیل آن را در قرآن بیان می‌نمود. (صبحی منصور، ۲۵)

۲. امکان فهم احکام با تدبّر و تعقّل در قرآن

قرآنیون با استناد به آیاتی که دعوت کننده به فهم، تدبّر و تعقّل در قرآن است (نساء/ ۱۸۲، صاد/۲۹) به تفسیر آیات وحی پرداخته‌اند، اما درصدد اثبات عقاید خود بر آمده‌اند تا آن جا که با تأویل آیات بیان کننده حجیت و اعتبار نسبت پیامبرﷺ، به انکار سنت معتقد گردیده‌اند. (صبحی منصور، ص ۲۲)

نقد: در نقد اجمالی این مبنا می‌توان گفت که احمد صبحی منصور با استناد به

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

آیات، انحصار رسالت پیامبرﷺ در تبلیغ وحی (مائده /۹۹) و عدم حجیت سنت در تشریح احکام دین را نشانه رفته است؛ در حالی که حصر در این آیه، اضافی است و در پاسخ به پندار باطل مشرکان بکار رفته، مبنی بر این که اگر محمدﷺ رسول خداست، کاری کند که آنها جبراً ایمان بیاورند، لذا خداوند مسئولیت رسالت آن حضرت را به تبلیغ منحصر نموده است. (طباطبائی ۲۳۹/۱۲)

ابن فرناس -از شخصیت‌های قرآنیون- نیز آورده است که فهم رسول خداﷺ از قرآن بر صحابه‌ای چون عایشه و عمر برتری ندارد، او حدیث را بی‌اعتبار خوانده و برای اثبات مدعای خود به برتری فهم عمر نسبت به رسول خداﷺ از قرآن استناد کرده است (ابن فرناس، ۲۷۲)؛ در حالی که آیاتی که نسبت به مدلول خود صراحت دارند و آنهایی که ظهور دارند، و آنهایی که متشابه‌اند و آیاتی که مربوط به اسرار الهی هستند، بیان و تفسیر رسول خداﷺ در همه آنها حجت است. (طباطبایی، ۲۶۰/۱۲)

۳. انکار نقش سنت در فهم آیات قرآن

این عقیده ناظر به دو نظریه است: «عدم حجیت سنت» و «امکان‌پذیر نبودن احرازِ نسبت سنت به پیامبرﷺ» نظریه نخست بر دلایلی مبتنی است، چون: وحیانی نبودن سنت (شحرور، ۵۷۲)، معصوم نبودن پیامبرﷺ (صبحی منصور، ۵۹)، شرک‌آمیز بودن سنت (ابن فرناس/۱۴)، تاریخی و زمان دار بودن سنت (شحرور، ۵۵۲)، مخدوش بودن سنت از نظر سند و متن (ذهبی، ۵۲۳/۲)، و متفرق بودن سنت. (الهی بخش، ۲۳۸) پایه نظریه دوم دلایلی است مانند عدم اهتمام پیامبرﷺ و بزرگان صحابه به حفظ و کتابت سنت (ابن فرناس، ۱۳) و پیامدهای عدم کتابت و حفظ حدیث در منزل اول هجری. (الهی بخش، ۲۳۲)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

نقد

یک: اعتبار حجیت سنت پیامبرﷺ با دو دلیل عقلی و نقلی قابل اثبات است. دلیل عقلی از فلسفه رسالت و نبوت و ممتنع بودن صدور گناه و غفلت از آن حضرت بهره می‌گیرد. (حکیم، ۱۲۲) دلیل نقلی نیز بر توان و اجماع عملی مسلمانان (مجلسی، ۳۳۵/۷۹) استوار است. آیاتی با مضامین: مفسر بودن پیامبرﷺ (نحل/۴۴)، حجیّت داوری پیامبر (نساء/۵۹)، وحیانی بودن سنت (نجم/۱-۳)، برابری اطاعت از پیامبرﷺ با اطاعت الهی (ال عمران/۳۱)، معرفی پیامبرﷺ به عنوان الگوی حسنه (احزاب/۲۱) و لزوم تمسّک به تمام آموزه‌های پیامبرﷺ (حشر/۷) آمده است، به روشنی بیانگر حجیت سنّت گفتاری و غیرگفتاری رسول خداﷺ در تفسیر قرآن و شناخت دین.

دو: مدارک تاریخی می‌رساند که پیامبر گرامی اسلامﷺ اهتمام فراوانی به حفظ و نشر سنت خویش داشتند، زیرا معتقد بودند که کلامشان از مصدر وحی ناشی می‌شود و نازل شدهٔ الهی است، نه سخن انسانی. (نجم/۴) از این رو ایشان بالاترین نقش را در گسترش، حفظ و کتابت سنت داشتند. تبیین جایگاه تعلیم و تعلّم در اسلام (ابن سعد، ۲۲/۲)، اهتمام به نشر حدیث (کلینی، ۲۹۱/۱)، کتابت و تدوین سنت از جانب بشر و توصیه به آن (ابن حنبل، ۱۸۳/۵) و فراهم آوردن برخی مکتوبات حدیثی (صفار قمی، ۱۸۷)، از مهمترین نشانه‌ها و محورهای عنایت آن حضرت به حفظ و کتابت سنت است. توجیهات اهل سنت مانند، جلوگیری از اختلاف مردم (صالح /۳۹)، ترک کردن و اشتغال به غیر آن (سیوطی ۶۴/۲)، بیم آمیختن قرآن با سنت (خطیب بغدادی/ ۴۹) و احتیاط در دین (همان) می‌تواند از فشار اشکالات درباره ممانعت خلفاء از نگارش و تدوین سنت بکاهد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

تفسیر قرآن به قرآن

دانشمندان قرن اخیر به اهمیت ویژه این نوع تفسیر به منزله روشی کارآمد و اصیل تأکید داشته‌اند تا آن جا که از سوی مفسران همچون علامه طباطبائی تنها روش صحیح تفسیر خوانده شده است. (طباطبائی، ۱۳/۱) تفسیر قرآن به قرآن یعنی استفاده حداکثری از آیات دیگر مصحف شریف برای تبیین مراد آیه‌ای دیگر که موضوع و محتوای آنها یکسان یا نزدیک به هم است. (عمید زنجانی، ص ۶۱) در این روش، دست‌یابی به مراد واقعی خداوند متعال با توجه به آیات دیگر این کتاب اسمانی کامل می‌گردد. پیامبرﷺ به تصریح قرآن، مبیّن این مصحف شریف بود. درباره شیوه بیانی این کتاب الهی می‌فرماید: آیه‌های قرآن یکدیگر را تأیید و تصدیق می‌کنند، پس میان آنها ناسازگاری و ناهمگونی نیفکنید. (متقی هندی، ۶۹۱/۱) پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز در تفسیر آیات این کتاب آسمانی از خود قرآن استفاده کرده‌اند و این امر بیانگر سابقه طولانی تفسیر قرآن به قرآن است. (طباطبائی، ۱۲/۱)

طرفداران این روش تفسیری معتقدند قرآن کریم مشتمل بر تفسیر خود نیز است و به طور مشخص دو مطلب مهم زیر را در این باره مطرح می‌کنند:

۱. تفسیر قرآن به قرآن روش تفسیری در جهت فهم مراد خداوند متعال است.

۲. تقدم زمانی این مرحله نسبت به مراحل دیگر تفسیر، به گونه‌ای که هیچ مفسری حق اعراض از آن و طی مراحل دیگر را ندارد. (طباطبائی، ص ۶۷)

جایگاه روایات در تفسیر قرآن به قرآن

آیا در این روش تفسیری، روایات جایگاه شایسته خویش را می‌یابند یا این که نیازی به روایات در تفسیر پدید نمی‌آید؟

برخی از مفسران در روش تفسیر قرآن به قرآن، روایات را به کنار نهاده و تنها به این مصحف شریف اکتفا کرده‌اند. آنان احتیاج به سنت را در تفسیر قرآن نفی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

کرده‌اند و قائل به عدم اعتماد به روایات در فهم مقاصد و معانی قرآن شده‌اند.
دیدگاه نویسندهٔ مصری تفسیر "الهدایة و الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن" بر آن است که تنها راه صحیح همان است که به متن قرآن و توضیحات و قراین موجود در آن مراجعه شود و از استعانت به غیر قرآن، به هر نحو که باشد، خودداری گردد؛ زیرا تنها مرجع تحریف نشده و دست نخورده‌ای که از دروغ‌ها و پیرایه‌ها و پندارهای غلط مدعیان دین منزه و مبرا مانده، متن قرآن است. اما روایات دچار دستبرد جاعلان و سوداگران حدیث شده و چند برابر آنچه صحیح است، روایات جعلی و دروغین بر آن افزوده شده است، لذا ارزش و اعتبار خود را از دست داده و فاقد صلاحیت لازم برای تفسیر قرآن هستند. مفسر مزبور بر این اساس، روایات را به کلی کنار گذاشته، ارزش تفسیری آن را به یکباره انکار کرده است. (سید رضا مؤدب، ص ۱۸۱)

ویژگی تفسیر ابن کثیر (م۷۷۴ ق)، روش تفسیر قرآن به قرآن است که شاید به این گستردگی و قدمت در دوران خود منحصر به فرد باشد. وی از شاگردان ابن تیمیه و مدافعان وی به شمار می‌رود؛ اقوال صحابه را حجت می‌داند و به گفتار تابعان، در صورتی که مخالفت نداشته باشد، تمسک می‌کند. از نکات بارز وی نقد روایات اسرائیلیات است و تأکید بر روش تفسیر قرآن به قرآن و دقت در انتخاب منقولات. (ایازی، ص ۱۱۰)

سید احمد خان در آغاز تفسیر، مقدمه‌ای با عنوان «تحریر فی اصول التفسیر» نوشته است. در این مقدمه، ضمن انتقاد از شیوه مفسران گذشته و بر شمردن مشکلات تفسیر، به ویژه آلوده شدن آنها به روایات ضعیف و مجهول و حکایات بنی‌اسرائیل، ضرورت تفسیر قرآن به قرآن را مطرح می‌کند و بهترین شیوه را همین روش می‌داند. (همان)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

«زحیلی در فهم و استخراج معانی، از روش تفسیر قرآن به قرآن سود می‌جوید، از احادیث نبوی و آثار صحابه و تابعان نیز کمک می‌گیرد.» (همان)

نقد

درست است که قرآن مبیّن و مفسّر خویش است، ولی در بسیاری از موارد و در توضیح بسیاری از آیات، احکام و داستان‌ها و ... استفاده از روایات صحیح، لازم، بلکه واجب است. مرحوم علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان در بیان ضرورت بهره‌گیری از روایات صحیح در تفسیر قرآن چنین آورند:

«روشی که در روایات بدان ترغیب شده، همان تفسیر از طریق قرآن است و آنچه از آن نهی و منع شده، تفسیر از غیر طریق قرآن است، بنابراین تنها روش مورد قبول در تفسیر، استمداد از خود ان کتاب شریف جهت فهم معانی آیات آن و تفسیر آیه به آیه است. این روش در صورتی مورد قبول خواهد بود که براساس تفحص و جستجوی کافی در روایات نقل شده از نبی اکرمﷺ و ائمه‌علیهم‌السلام به عمل آمده، پس از تحصیل ذوق و معلومات بر گرفته از آنها، به تفسیر کلام پرداخته شده باشد.» (طباطبائی، ۹۰/۳)

ایشان در راهنمایی به دیگر مفسران می‌نویسد:

وظیفه مفسران این است که به احادیث پیغمبر اکرمﷺ و ائمه اهل بیت‌علیهم‌السلام که در تفسیر قرآن وارد شده، غور کرده، به روش ایشان آشنا شوند؛ پس از آن، طبق دستوری که از کتاب و سنت احراز شده، به تفسیر قرآن بپردازند و از روایاتی که در تفسیر وارد شده، به آنچه موافق مضمون است، استفاده کند. (محمد صادقی، ص ۸۰)

آیت‌الله جوادی آملی در بیان ویژگی تفسیر علامه طباطبایی در المیزان نکات دقیقی را ذکر کرده که یکی از آن نکات چنین است:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

مرحوم علامه (ره) سیری طولانی و عمیق در سنت مسلّم معصومان علیهم‌السلام داشتند و لذا هر آیه که طرح می‌شد، طوری آن را تفسیر می‌کردند که اگر در بین سنت معصومان علیهم‌السلام دلیل یا تأییدی وجود دارد، از آن به عنوان استدلال یا استمداد بهره‌برداری شود و اگر دلیل یا تأییدی وجود نداشت، به سبکی آیه محل بحث را تفسیر می‌کردند که مناقض با سنت قطعی آن ذوات مقدس نباشد؛ زیرا تباین قرآن و سنت همان افتراق بین این دو حبل ممتد الهی است که هرگز جدایی‌پذیر نیستند: «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.» (جوادی آملی، ۲۱/۱)

محقق نایینی نیز در ضرورت به کارگیری روایات در تفسیر آورده است:

اخباری که از عمل کردن به قرآن نهی کرده، با این که مستفیض، بلکه متواتر است، ولی بر دو قسم است: نخست روایاتی که از تفسیر به رأی و استحسان‌های مبتنی بر ظن و گمان منع کرده‌اند. دیگر احادیثی است که استقلال به ظواهر قرآن بدون مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام را مردود و باطل شمرده است. (نائینی، ۱۲۶/۳)

آیت الله خویی (ره) نیز در بیان تفسیر به رأی بدین نکته اشارت دارد:

احتمال دیگری که در تفسیر به رأی وجود دارد، آن است که مقصود نهی از استقلال به قرآن، یعنی اکتفا کردن به آن و مراجعه نکردن به معصومان باشد؛ چنان که ظاهر بعضی روایات همین است ... صحیح آن است که تمسک به ظاهر قرآن جایز است، ولی پس از آن که از قراین موجود در روایات فحص و جستجوی لازم به عمل آید. (آیت‌الله خوئی، ۱۲۵/۲)

پس آن گونه که گفته شد، روش تفسیر قرآن به قرآن بی‌نیاز از روایات اهل بیت علیهم‌السلام نبوده و نخواهد بود و آنان که تفسیر قرآن را بدون بهره‌گیری از روایات ارائه می‌کنند، خود را از گنجینهٔ عظیمی بی‌بهره ساخته‌اند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

نتیجه‌گیری

اعتقاد به این که قرآن، تنها مفسر تمام آیات خود باشد، امری است محال، زیرا بسیاری از آیات، در پرده‌ای از ابهام و اجمال قرار دارند. بنابر فرموده پیامبرﷺ و معصومین‌علیهم‌السلام احادیث و روایات برای روشن ساختن آموزه‌های دینی خصوصاً در بخش اعتقادات و احکام، ضروری است.

جریان نو ظهور قرآنیان قرآن بسندگی را ادعا می‌کنند، اما خود در پاره‌ای از تفسیر و تبیین آیات در عمل به اصل خود پایبند نبوده و نیاز به سنت را در آیات لازم می‌دانند.

حلقه‌های قرآنیون فقط در این سخن اشتراک نظر دارند که تنها منبع وحی خداوند یعنی قرآن است، اما خود در تفسیر اکثر آیات دچار اختلافات شدید و عمیقی هستند.

تفسیر قرآن به قرآن خود برخی ابهامات را به همراه دارد. برخی از مفسران معاصر روش تفسیر قرآن به قرآن را فقط بر مبنای مراجعه به احادیث و روایات پذیرفته‌اند. ضرورت تفسیر آیات در سایه احادیث و سنت نبوی، دلیل روشن بر حجیت احادیث و روایت است.

منابع

قرآن کریم

۱. آقایی، سید علی؛ «**قرآن‌بسندگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه‌های اهل قرآن/قرآنیون**»، **معرفت کلامی**، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۱۲-۹۱.

۲. آقایی، سید علی، «حدیث – حدیث و قرآن»، **دانشنامه جهان اسلام**، ج ۱۲، ص ۷۲۱-۷۲۲.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ **شرح نهج‌البلاغه**، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۷ ق.

۴. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ **المسند**، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

۵. ابن سعد، محمد؛ **الطبقات الکبری**، طائف، مکتبة الصدیق، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن فرناس؛ **الحدیث و القرآن**، بغداد، الجمل، ۲۰۰۸ م.
۷. اعظمی، محمد مصطفی؛ **دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوینه**، ریاض، ۱۴۰۱ ق.
۸. الهی‌بخش، خادم حسین؛ **دراسات فی‌الفرق: القرآنیون و شبهاتهم حول السنة**، طائف، مکتبة الصدیق للنشر و التوزیع، ۲۰۰۵ م.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ **الجامع الصحیح**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ ق.
۱۰. برقعی، سید ابوالفضل؛ **احکام القرآن**، بی‌جا، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، بی‌تا.
۱۱. بغدادی، **الکفایة فی علم الروایة**، تصحیح احمد عمر هاشم، ص۳۰.
۱۲. توفیق افندی، محمد. **مجله المنار. الاسلام هو القرآن وحده**، ص ۹۱۰، ش ۲۶۱.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۱۴. حکیم، سید محمدتقی؛ **الأصول العامة للفقه المقارن**، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۹۰ ق.
۱۵. حکیم، محمد طاهر؛ **السنة فی مواجهة الأباطیل**، بی‌جا، مطبوعات رابطة العالم الاسلامی،۱۴۰۲ ق.
۱۶. خضری، محمد؛ **تاریخ التشریع الاسلامی**، قاهره، مطبعة الاستقامه، ۱۳۷۳ ق.
۱۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت؛ **تقیید العلم**، تحقیق: یوسف العش، بی‌جا، دار احیاء السنة النبویة، ۱۳۹۵ ق.
۱۸. ذهبی، ابوعبدالله شمس الدین؛ **تذکرة الحفاظ**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۴ ق.
۱۹. ذهبی، محمدحسین؛ **التفسیر و المفسرون**، قاهره، دارالکتاب الحدینه، ۱۳۹۶ ق.
۲۰. ابن تیمیه، مقدمة فی اصول التفسیر، ص ۳۹.
۲۱. سجستانی، ابوداوود سلیمان بن اشعث؛ **السنن**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ **تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی**، تحقیق: احمد عمر هاشم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. شحرور، محمد؛ **السنة الرسولیة و السنة النبویة: رؤیة معاصرة**، دمشق، دار الأهالی، ۲۰۱۲ م.
۲۴. صبحی منصور، احمد؛ **القرآن الکریم هو المصدر الوحید للإسلام**، فصل اول.
۲۵. صبحی منصور، احمد؛ **القرآن و کفی مصدراً للتشریع الاسلامی**، بیروت، مؤسسة الانتشار العربی، ۲۰۰۵ م.
۲۶. صبحی منصور، احمد، **لاناسخ و لامنسوخ فی القرآن الکریم**.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]

۲۷. صفار قمی، محمد بن حسن؛ **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد**ﷺ، تصحیح: محسن کوچه باغی تبریزی، قم، مکتبة آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیرالقرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن؛ **اختیار معرفة الرجال [رجال الکشّی]**، تحقیق: سیدمهدی رجالی، قم، مؤسسه آل البیت: ۱۴۰۹ ق.
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی؛ **مبانی و روش‌های تفسیر قرآن**.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۳۲. متقی هندی، حسام‌الدین؛ **کنزالعمّال**.
۳۳. مجلسی، محمد باقر؛ **بحارالانوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. مهدوی‌راد، محمدعلی؛ «**تدوین حدیث (۷)؛ پی‌آمدها و بازتاب‌ها**»، علوم حدیث، شماره، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۸-۹.
۳۵. مهدوی راد، محمد علی؛ **فصلنامه علمی پژوهشهای قرآنی**، سال بیستم شماره ۳ ، صفحه ۱۴۰
۳۶. مهریزی، مهدی؛ **حدیث پژوهی**، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. هندی، سید احمد خان؛ **تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان**، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، شرکت تضامنی محمدحسن علمی و دیگران، ۱۳۳۲ ش
38.kassumahmad.blogspot.com
39.http://ahmed.g3z.com/cv/drahmedcve.htm
40.www.Yuksel.org

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.7.8]